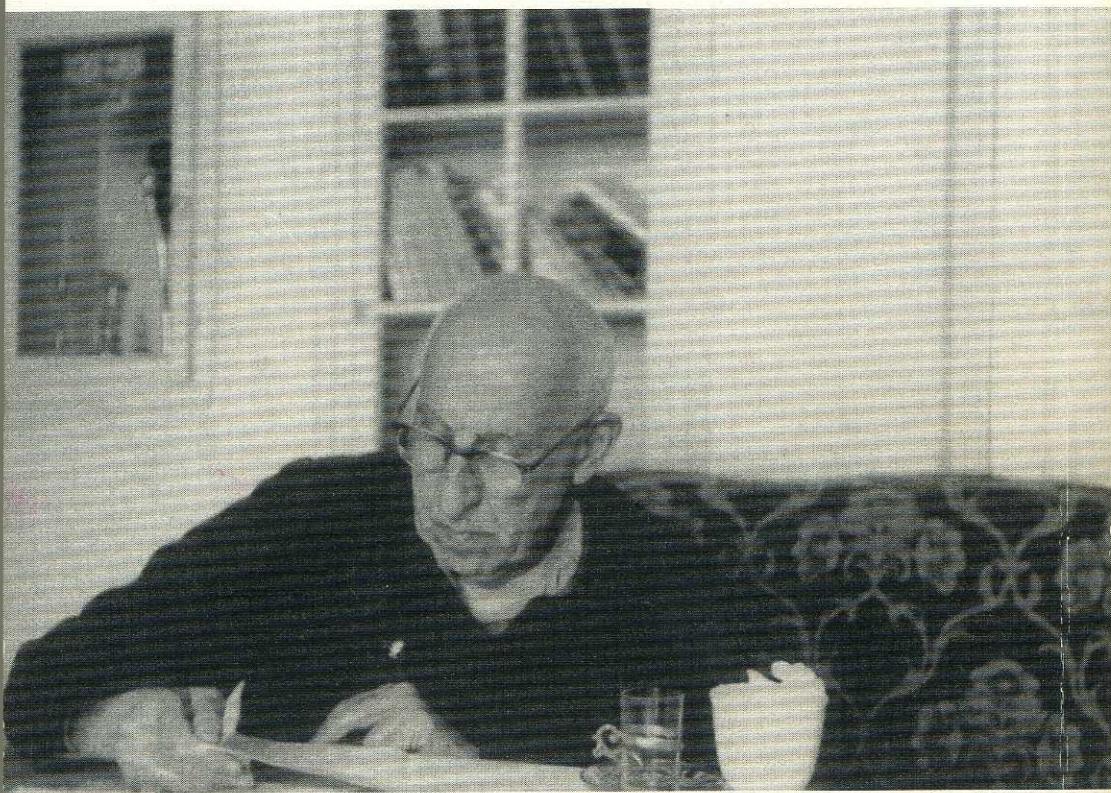


نوروزی - هری  
۱۳۸۰

۲۴

## ویژه مصدق

یادواره پنجمین ملی شدن صنعت نفت  
تشکیل دولت مصدق



آزادی

میتوانید از اینجا بخواهید

دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۰

## بلوای قم «این آتن»

پژواک ندای آز  
در روش و منش  
بی‌شماری در د  
سروران گفته آی  
اما به نظر  
و هستم دکتر م  
صدق رهبر تما  
ویژه مردم ستم  
بزرگ اخلاق، الـ  
در گفتار و پندار  
برای آگاهی  
دوران ملی کردن  
قبل از تشکیل د  
۱- در تیر ماه ۳۹  
ملی شدن صنعت  
کمیسیون نفت مج  
شتابزدگی با فکر م  
رزم آراء که برای ش  
مورد سوء قصد از  
۲- دکتر مصدق با  
شدن صنعت نفت ر  
شدن صنایع نفت را  
۳- دکتر مصدق در  
۴- در اردیبهشت ما  
کرد در جلسه خصوص  
کرد و دکتر مصدق  
جلسه به نخست وزیر

## نهرو و مصدق

### ژاله اصفهانی

دانشگاه دولتی مسکو به نام لومونوسوف عنوان «کاخ دانش» گرفته بود. در تالار نوساز پر چلچراغ با گنجایش دو هزار نفر و دیوارهای پوشیده از ابریشم زرد رنگ هدیه چین، مهمانان اتحاد شوروی پیشین - دولتمردان، شاعران، موسیقی‌دانان و دیگر هنرمندان کشورهای شرق و غرب، غالباً با دانشجویان، پژوهشگران و استادان دانشگاه دیدارها داشتند: مائوتسه دون، تیتو، جمال عبدالناصر، سوکارنو، محمد رضا پهلوی همراه ثریا و نیز ناظم حکمت، پابلو نرودا، لویی آرگن و دیگران و دیگران و روزی هم جواهر لعل نهرو و ایندیرا گاندی ...

سالن لبریز از شنوندگان شیفتگی، جواهر لعل نهرو در جامه‌ی سفید رنگ ملی هندی، با چهره‌ی آرام و اندیشمند، با بخند عارفانه‌ی مهربان، که در پس آن روح مقاوم و ستم سیز او جلوه‌گر بود، از تاریخ گذشته هندوستان، از مبارزات استقلال‌جویانه‌ی مردم میهن خود، از مهاتما گاندی، سخن‌ها گفت و گفت و رفتہ رفتہ دامنه‌ی گفتارش به دیگر کشورهای شرق گسترده شد تا به نقش بر جسته‌ی دکتر محمد مصدق رسید.

جواهر لعل نهرو گفت: ما در راه مبارزه برای استقلال و آزادی هند از دکتر محمد مصدق درس‌ها آموختیم.

ژاله‌ی جوان، که شاید آن روز تنها ایرانی حاضر در سالن بود، ناگاه احساس کرد شانه‌ها و سپس گردن اش بالا و بالاتر می‌رود، بال در می‌آورد و می‌خواهد پرواز کند. چه افتخار بزرگی است که انسان بتواند موجب هویت و سرافرازی ملت خویش باشد چنان که نهرو و مصدق.

ژاله سپس شعری در باره هندوستان گفت که بخشی از آن چین است:

جهان نهرو! شما پاینده در هندوستان اید

شما چون نعمه تاگور و اقبال در آن مُلک توانا جاودانید

صدق هم هماهنگ شما بود مصدق بیک آزادی ما بود...

این سروده به زبان‌های روسی و هندی ترجمه و در نشریات آن دو کشور چاپ شد.

آری. دکتر مصدق دوستدار حقیقی آزادی و استقلال ایران، دشمن سرسخت اسارت و استعمار بود. مصدق در محاصره‌ی غرب غدار بود. مصدق گرفتار یاران عهد شکن و دشمنان بسیار بود. مصدق گه گاه به تردید گرفتار بود، اما تا پایان به ایران و به آزادی وفادار بود. مصدق به من و شما و به آینده امیدوار بود.

لندن اول سپتامبر ۲۰۰۱

## نهر و مصدق

نیمه‌ی دوم سال ۱۹۵۰ دانشگاه دولتی مسکو به نام لومونوسوف که عنوان 'کاخ علم' گرفته بود، در تالار نوساز پر چلچراغ با گنجایش دو هزار نفر و دیوارهای پوشیده از ابریشم زرد رنگ هدیه‌ی چین کمونیستی، مهمنان اتحاد شوروی پیشین - دولت مردان، شاعران، موسیقی دانان و دیگر هنرمندان کشورهای شرق و غرب، غالباً با دانشجویان، پژوهشگران و استادان دانشگاه دیدارها داشتند: مائوتسه دون، تیتو، جمال عبدالناصر، سوکارنو، محمد رضا پهلوی همراه ثریا و نیز ناظم حکمت، پابلو نرودا، لوئی آراگن و دیگران و دیگران و روزی هم جواهر لعل نهر و ایندیرا گاندی ...

سالن لبریز از شنوندگان شیفته جواهر لعل نهر در جامه‌ی سفید رنگ ملی هندی، با چهره‌ی آرام و اندیشمند، با لبخند عارفانه‌ی مهربان، که در پس آن روح مقاوم و ستم سطیز او جلوه‌گر بود، از تاریخ گذشته‌ی هندوستان، از مبارزات استقلال جویانه‌ی مردم میهن خود، از مهاتما گاندی، سخن‌ها گفت و گفت و رفته رفته دامنه‌ی گفتارش به دیگر کشورهای شرق گسترده شد تا به نقش بر جسته‌ی دکتر محمد مصدق رسید.

جواهر لعل نهر گفت: "ما در راه مبارزه برای استقلال و آزادی هند از دکتر محمد

صدق درس‌ها آموختیم"

ژاله‌ی جوان، که شاید آن روز تنها ایرانی حاضر در سالن بود، ناگاه احساس کرد شانه‌ها و سپس گردن اش بالا و بالا تر می‌رود، بال در می‌آورد و می‌خواهد پرواز کند. چه افتخار بزرگی است که انسان بتواند موجب هویت و سرافرازی خویش باشد چنان که نهر و مصدق.

ژاله سپس شعری در باره‌ی هندوستان گفت که بخشی از آن چنین است:

شما پاینده در هندوستان اید جواهر لعل نهر!

در آن مُلک توانا جاؤ دانید شما چون نغمه‌ی تاگور و اقبال

صدق پیک آزادی ما بود ... مصدق هم هماهنگ شما بود

این سروده به زبان‌های روسی و هندی ترجمه و در نشریات آن دو کشور چاپ شد.

آری. دکتر مصدق دوستدار حقیقی آزادی و استقلال ایران، دشمن سرسخت اسارت و

استعمار بود. مصدق در محاصره‌ی غرب غدار بود. مصدق گرفتار یاران عهد شکن و دشمنان

بسیار بود. مصدق گه‌گاه در مبارزه نایابی نمود بود، اما تا پایان به ایران و به آزادی وفادار بود.

صدق به من و شما، به آینده امیدوار بود ...

لندن - اول سپتامبر ۲۰۰۱

ژاله اصفهانی

ژاله اصفهانی  
زمزم

( نهدن گه‌گاه به سر دید گردنار لرد )